

سید رسول موسوی، دیپلمات پیشین در گفت و گو با «ایران» تبیین کرد

گفت و گو با آمریکا؛ مذاکره یا مخاطره؟

مذاکره با واشنگتن در حال حاضر چون بر سر دارایی های ماست ورود به آن تهدید امنیت ملی است

● گفت و گو

در میانه اوج گیری انتقادهای از دستگاه دیپلماسی به دلیل پرهیز از ورود به گفت‌وگو با غرب و ایالات متحده، «ایران» در گفت‌وگویی تفصیلی با سید رسول موسوی، سفیر پیشین ایران در تاجیکستان و فنلاند این گزاره مسلط را به محک تحلیل می‌گذارد که آیا «زمان مذاکره هنوز فرا نرسیده است» یا نه؛ ارزیابی‌ای که موسوی آن را برآمده از خوانشی سرد و واقع‌گرایانه از میدان قدرت و فقدان هم‌پوشانی میان اهداف ایران و آمریکا می‌داند.

او با تأکید بر منطق «بازی حاصل جمع صفر» که در دستورکار آمریکا است، استدلال می‌کند تا هنگامی که ایران به یک راهبرد منسجم مبتنی بر مدیریت هوشمند قدرت در یک بازه زمانی مشخص در قبال آمریکا دست نیابد، مذاکره نه تنها به حل مسأله منتهی نمی‌شود که مخاطره‌ای برای امنیت ملی خواهد بود؛ مخاطره‌ای که بیش از آنکه راهبرد مذاکره را منتفی کند، ضرورت بازتعریف زمان، چهارچوب و منطق آن را به تعویق می‌اندازد.

با در نظر گرفتن تحولات شتابان منطقه‌ای، تغییر آرایش بازیگران بین‌المللی و تجربه‌های پیشین کشور در بهره‌گیری یا از دست دادن پنجره‌های دیپلماتیک، بفرمایید ارزیابی فعلی مبنی بر «فراهم نبودن زمان مناسب برای مذاکره» تا چه اندازه بر یک تحلیل جامع از واقعیت‌های میدانی، روندهای قدرت در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی و ظرفیت‌های بالقول و بالفعل در مقطع کشور استوار است و آیا این ارزیابی امکان بازتعریف راهبرد مذاکره در مقطع کنونی را منتفی می‌سازد یا صرفاً به تعویق می‌اندازد؟

اساساً برای هرگونه بحثی درباره «مذاکره» ابتدا باید به این دو پرسش کلیدی پاسخ دهیم: با چه کسی؟ و برای چه؟ اگر به این دو سؤال دو کلمه‌ای درست پاسخ ندهیم اصلاً به سؤال اصلی پاسخ نداده‌ایم و فقط حرف‌های کلی زده‌ایم تا حرفی زده باشیم.

در شرایط فعلی کشور به نظر می‌رسد پاسخ سؤال با چه کسی؟ آمریکا باشد زیرا در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران بجز رژیم صهیونیستی با همه کشورها مذاکره می‌کند و هیچ مانعی برای مذاکره وجود ندارد و اگر مذاکراتی نیست به سؤال دوم یعنی «برای چه» بازمی‌گردد.

همین الان که سؤال شما را پاسخ می‌دهم وزیر خارجه کشورمان در مسکو بر اساس پیمان مشارکت استراتژیک ایران و روسیه نقشه راه سه ساله وزارتخانه‌های دو کشور را امضا می‌کند.

رئیس جمهوری ایران هفته قبل در قزاقستان و ترکمنستان بوده و اگر به تحولات سیاسی و دیپلماتیک یک ماه گذشته نگاه کنیم موارد متعددی از ملاقات‌ها و مذاکرات مختلف را خواهیم دید.

پس ملاحظه می‌فرمایید که اصل موضوع مذاکره مطرح نیست بلکه پرسش اصلی شما مذاکره با چه کسی؟ و مشخص تر مذاکره با غرب به خصوص با آمریکاست. غرب هم یک کلیت منسجم نیست بلکه کلیتی چند پارچه است. اگر مذاکراتی بین ایران و اروپا را فعلاً شاهد نیستیم برای این است که اروپا به این نتیجه رسیده که بدون آمریکا نمی‌تواند با ایران مذاکره کند و به هر نتیجه‌ای هم برسد توسط آمریکا وتو خواهد شد. اروپا در تاریخ خود هیچ وقت چنین دلیلی نبوده است که حتی نتواند بدون اجازه آمریکا با کشوری مذاکره کند. جمهوری اسلامی ایران هم علی‌رغم باز نگاه داشتن راه‌های مذاکره با اروپا می‌داند که اروپا بدون اجازه آمریکا قادر به مذاکره با ایران نیست و اگر مذاکراتی هم صورت گیرد صرفاً برای مبادله پیام است نه برای رسیدن به نتیجه.

اما در اینجا سؤال دوم یعنی برای چه؟ مطرح می‌شود به این شکل که برای چه با آمریکا مذاکره شود؟

پاسخ این سؤال این است که طرف آمریکایی یک دستور کار مذاکراتی دارد که با دستور کار مذاکراتی طرف ایرانی متفاوت است و چون این دو دستور کار کاملاً مغایر هم بوده و حاصل جمع صفر را تشکیل می‌دهند این مذاکره اتفاق نمی‌افتد.

پس علت عدم مذاکره این نیست که تصمیم به عدم مذاکره باشد. مسأله اساسی در اینجا امنیت ملی و منافع حیاتی کشور است و هرگسی که مسئولانه به موضوع نگاه کند به خود را به صورت مستقل نداشته باشد و ایران همین نتیجه می‌رسد. آمریکا برای این مذاکره می‌کند که ایران قدرت تأمین امنیت ملی خود را به صورت مستقل نداشته باشد و ایران هم نمی‌تواند بر سر استقلال و امنیت ملی خود مذاکره کند.

مباحث سیاسی جناح‌های سیاسی کشور در این خصوص را نباید خیلی بها داد آنها وقتی در قدرت باشند یک حرف می‌زنند و وقتی در خارج از قدرت قرامی گیرند حرفی دیگر می‌زنند ولی در نهایت هر جریانی که در قدرت قرار گیرد اگر مسأله‌اش امنیت ملی ایران عزیز باشد همان کاری را انجام خواهد داد که جناح مخالف انجام می‌دهد.

پس پاسخ ساده به سؤال شما این است: واقعیت میدانی مسأله امنیت ملی است و کسی را یارای مذاکره بر سرامنیت ملی نیست نه اینکه تصمیم به عدم مذاکره باشد. اگر دستور کار مذاکره امنیت ملی کشور نباشد این مذاکره اتفاق خواهد افتاد.

در چنین شرایطی اصرار برخی گروه‌ها یا شخصیت‌ها بر تمرکز یک جانبه بر مذاکره به‌عنوان راهبردی فاقد جایگزین، آن هم بدون تضمین دستیابی به نتایج عملی چگونه می‌تواند تأمین‌کننده منافع ملی و ارتقای جایگاه کشور در روابط بین‌الملل باشد؟

اجازه دهید از زاویه دیگر و با ادبیاتی متفاوت به این سؤال پاسخ دهم اما قبل از همه لازم است درباره یک مسأله مهم که اشاره کردید، توضیحی بدهم و آن مسأله «تضمین» در روابط خارجی و بین‌المللی است.

باید یک حقیقت تلخ را بپذیریم که هیچ تضمینی برای هیچ کشوری در روابط خارجی خود و در عرصه بین‌المللی جز قدرت ملی آن کشور وجود ندارد. اگر کشوری از قدرت سخت‌افزارانه یا نرم‌افزارانه‌ای که بتواند از منافع ملی خود دفاع کند، برخوردار باشد، برای آن کشور به میزان قدرت ملی‌اش تضمین صیانت از امنیت و منافع ملی وجود خواهد داشت.

در غیر این صورت در عرصه هابزی روابط

بین‌المللی تضمینی برای حفظ امنیت و منافع ملی وجود ندارد و حقوق بین‌الملل ادبیاتی است که صاحبان قدرت در عرصه بین‌الملل برای مشروعیت بخشی به اعمال قدرت خود استفاده می‌کنند.

این سخنان شاید تلخ و ناامید کننده باشد ولی باید ماهیت واقعی نظام بین‌الملل را بشناسیم و بعد در چنین نظامی قبل از رفتن به میدان مذاکره با حریفان از میزان قدرت آفندی و پدافندی قدرت ملی خود برآورد درستی داشته باشیم.

در چنین وضعیتی اصلاً مسأله ما تمرکز کم یا زیاد بر مذاکره نیست بلکه مسأله اصلی این است بدون قدرت ملی وارد مذاکره شدن همانند رفتن به بازار برای خرید با جیب خالی است.

آنچه امروز از وزارت خارجه می‌بینیم، به نظر شما تلاشی برای شناخت و تسلط استراتژیک و به دست آوردن اهرم فشار در گذشت زمان است؟ رفتاری که شاید به نظر برخی انفعال به نظر برسد.

من نمی‌توانم قضاوت کنم که آیا وزارت امور خارجه دارای انفعال ظاهری است یا واقعی. ولی یک مسأله را متوجه هستم که سیاست خارجی نتیجه ترکیب مؤلفه‌های قدرت سخت‌افزارانه و نرم‌افزارانه نه فقط در ایران بلکه در همه کشورهاست.

در شرایط کنونی تا زمانی که قدرت سخت کشورمان به هر دلیلی نتواند به شیوه‌ای خود را بروز دهد و به نمایش گذارد، دیپلماسی قادر نخواهد بود خلأ نمایش قدرت سخت را جبران کند.

این موضوع فراتر از یک مورد صدافی بوده و بحثی نظری است و می‌تواند برای همه کشورها صادق باشد و لزوماً به سیاست خارجی جمهوری اسلامی محدود نمی‌شود.

به این معنی که اگر کشوری نتواند قدرت نظامی، اقتصادی، فناوری و... خود را به شکلی به حریفان نشان دهد و به نمایش گذارد، سیاست خارجی ابتیری خواهد داشت.

در حال حاضر این مؤلفه‌های قدرت و اهرم‌های فشار برای ایران در این مرحله کدامند و چگونه می‌توانند بر نتیجه مذاکرات اثرگذار باشند؟

در این مرحله تکیه ما بیش از آن که بر ابزارهای دیپلماتیک و اهرم‌های فشار باشد، باید بر قدرت و توان مقاومت ملی باشد. در جایی دیگر هم گفتیم گاهی در کشتی یک کشتی کبر حرفه‌ای لازم می‌بیند بیش از آن که بر وزن فنون کشتی بر حریف تکیه کند، بر قدرت توان خود در چسبیدن به تشک تکیه کرده و حریف را از نفس ببینداز.

واقع بینی حکم می‌کند که متوجه باشیم اولاً عرصه منازعه یک تنازع نامتقارن است و در تنازع نامتقارن باید بر قدرت مقاومتی تکیه کرد.

ثانیاً برآورد درستی از میزان قدرت عملی حریف و توان قدرت مقاومتی خود داشته باشیم و اجازه ندهیم متشبّهات تصور اشتباهی در ما بوجود آورد.

ثالثاً بدانیم که ما درگیر جنگی هستیم که از رشته نبردهای مختلف تشکیل شده است و امتیاز دادن یا گرفتن در یک یا چند نبرد لزوماً سرنوشت جنگ را مشخص نمی‌کند بلکه سرنوشت جنگ را روحیه و مقاومت ملی در طول جنگ روشن می‌سازد.

نظراتن درباره زمان بندی مذاکرات (همچون فوریت شروع یا تأخیر آن)



طرف آمریکایی یک دستور کار مذاکراتی دارد که با دستور کار مذاکراتی طرف ایرانی متفاوت است و چون این دو دستور کار کاملاً مغایر هم بوده و عدم مذاکره حاصل جمع صفر را تشکیل می‌دهند این مذاکره اتفاق نمی‌افتد.

پس علت عدم مذاکره این نیست که تصمیم به عدم مذاکره باشد



بشری

با توجه به آنچه درباره تقدم واقعیت‌های میدانی و اولویت غیرقابل مذاکره بودن امنیت ملی اشاره کردید، تا چه اندازه تأکید افراطی بر «مذاکره» به عنوان یک راه حل فی نفسه بدون توجه به دستورکار واقعی طرف مقابل و خطوط قرمز امنیت ملی می‌تواند به پدیده «مذاکره‌زدگی» در فضای سیاسی منجر شود و در عمل به تضعیف تصمیم‌گیری عقلانی و مبتنی بر منافع راهبردی کشور آسیب بزند؟

مذاکره‌زدگی دو وجه دارد: یکی تاکتیکی است و دیگری راهبردی. مذاکره زدگی تاکتیکی که می‌توان نام دیگر آن را «مذاکره برای



مذاکره» دانست می‌تواند هم مثبت باشد هم منفی و مثبت یا منفی بودن آن بستگی به آن دارد که چگونه از این تاکتیک مذاکره بتوان استفاده کرد. یک کشور ممکن است به این نتیجه برسد که برای رسیدن به هدف یا اهداف پنهان خود نیاز به زمان یا به اصطلاح نیاز به خرید زمان دارد در چنین شرایطی رهبری آن کشور به دستگاه دیپلماسی خود مأموریت می‌دهد تا وارد مذاکره برای مذاکره شود و بدون آنکه مذاکره را به نتیجه برساند برای کارهای دیگر کشور زمان خریداری کند. در این شرایط هنر دیپلماسی در آن است تا مذاکره را اقتدر حرفه‌ای پیش ببرد که حریف متوجه آن نشود که درهدف پنهان آن کشور چیز دیگری است و مذاکره جز پوشش و فریب چیز دیگری نیست.

مذاکره‌زدگی راهبردی این است که کشوری یا منابع قدرتی ندارد یا نسبت به منابع قدرتی خود اشتباه محاسباتی دارد و به این نتیجه می‌رسد که در نظام بین‌الملل کنونی برای صیانت از منافع خود هیچ راهی جز مذاکره ندارد. در چنین وضعیتی دستگاه رهبری آن کشور مذاکره را به عنوان یک راهبرد بدون جایگزین انتخاب می‌کند و به هیچ ابزار قدرت دیگری فکر نمی‌کند. در چنین شرایطی اگر آن کشور از دستگاه دیپلماسی و دیپلمات‌های توانمندی برخوردار باشد ممکن است بتواند از امنیت و منافع ملی خود صیانت کند ولی اگر فاقد آنها باشد مذاکره‌زدگی سم مهلکی برای حیات آن کشور خواهد بود.

است، خوب شناسیم و با راهکارهای مناسب با آن مقابله کنیم.

دوم باور داشته باشیم که دشمن وجود دارد. عده‌ای هستند که وقتی نام دشمن را می‌شنوند روی تیرش کرده و آن را مقوله‌ای غیرواقعی دانسته و تصور می‌کنند که وقتی صحبت از دشمن می‌کنیم، می‌خواهیم قبول کنیم دشمن وجود دارد، در پاسخ به آن نادیده گرفته و آن را بر دوش موجودی موهوم به نام دشمن بیندازیم.

باور به وجود دشمنی واقعی ما را تا حدودی در مقابل آسیب‌ها حفاظت می‌کند. وقتی قبول کنیم دشمن وجود دارد، در پاسخ به همین سؤال شما هم باید دقت کنیم و بدانیم که دشمن به پاسخی که به این سؤال داده می‌شود، بیشتر از خود شما توجه دارد.

سوم معتقدم ما بیشترین آسیب را در عرصه اطلاعاتی خوردیم و دشمنان از ضعف اطلاعاتی ما بهره‌های فراوانی برده‌اند و تا ضعف اطلاعاتی عرصه‌های مختلف جبران نشود، ورود به مذاکره در عرصه‌هایی که ضعف اطلاعاتی داریم، تهدید امنیت ملی خواهد بود.

چهارم صیانت از همبستگی ملی است. در جنگ ۱۲ روزه همبستگی ملی ضعف اطلاعاتی و دیگر ضعف‌ها را جبران کرد. برای همین است که عملان جنگ ۱۲ روزه فعالیت‌های خود را با شدت تمام بر گسل‌های واقعی یا ساختگی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... قرار داده‌اند. پنجم توجه به نیروی انسانی در وزارت امور خارجه.

است و آنها تجارت می‌دانند پس می‌توانند با ترامپ مذاکره کنند، از بمباران تأسیسات هسته‌ای ایران که تحت نظارت آژانس بین‌المللی اتمی بود، درس گرفته‌اند یا خیر؟

اگر درس گرفته‌اند، این درس چیست؟ برای کسی که آن زمان هم می‌گفت ترامپ قابل اعتماد نیست، گفتن این حرف که نمی‌شود با ترامپ مذاکره کرد سخت نیست ولی مسأله این است: آیا کسانی که می‌بایست درس بگیرند، گرفته‌اند یا خیر؟

خیلی صریح و روشن می‌گویم تا زمانی که کشور به یک راهبرد ملی منسجم در مقابل آمریکا نرسد، مذاکره با آمریکا به زبان امنیت ملی خواهد بود.

با این توضیح که راهبرد منسجم در مقابل به معنی مقابله نیست بلکه به معنی چگونگی مدیریت بهینه قدرت و منابع ملی در یک بازه زمانی مشخص برای حفظ و ارتقای داشته‌هاست.

با این حساب بفرمایید در شرایط حساس پس از بحران جنگ، این مدیریت بهینه با تکیه بر چه مجموعه‌ای از ابزارهای

اقتصادی، سیاسی و امنیتی بیشترین تأثیر را بر نتیجه مذاکرات خواهد داشت؟

اول آن که حساسیت شرایط را متوجه باشیم و بدون اینکه اجازه دهیم در فرآیند عادی امور کشور خللی وارد شود، بپذیریم که جنگ تمام نشده بلکه جنگ از وضعیتی به وضعیتی دیگر تغییر شکل داده است و ما باید این شکل جدید جنگ را که جنگی اطلاعاتی و روانی

چیست؟ آیا می‌تواند به افزایش قدرت

چانه‌زنی ایران در مقابل آمریکا منجر شود؟ قدرت چانه زنی تابع زمان نیست بلکه تابع قدرت است. زمان بندی مذاکرات فقط تاکتیکی است برای افزایش قدرت ملی. گام برداشتن درعرصه سیاست خصوصاً سیاست بین‌الملل همچون راه رفتن در میدان مین است و باید باور کرد که کسی برای گردش و پیاده روی نباید به میدان مین برود.

هیچ کشوری نباید بر سر داشته‌های موجود مذاکره کند تا داشته خود را افزایش دهد. معادله سختی است ولی باید بدانیم که یکی از تعاریف سیاست، هنر امکان است. معنی کاربردی و ساده عبارت فوق این است: مذاکره با آمریکا در شرایط کنونی چون بر سر دارایی‌های ماست، ورود به آن تهدید امنیت ملی است ولی اگر بر اثر مقاومت، فرصتی پدید آید که مذاکره بر سر مدیریت وضعیت باشد، در آن صورت مذاکره تهدید امنیت ملی نخواهد بود و اگر خوب مدیریت شود، می‌تواند فرصت ساز باشد.

چگونه تجربه مذاکرات گذشته و شرایط پساجنگ، چهارچوب‌های اعتمادسازی و کاهش تنش را میان طرفین شکل می‌دهد؟

مذاکرات گذشته، ما را به آموختن درس‌هایی سخت و پرهزینه فرا می‌خواند ولی نمی‌دانم می‌خواهیم این درس‌ها را بیاموزیم یا خیر. آیا کسانی که ادعا می‌کردند ترامپ یک تاجر

● خبر

مدیرکل حقوق بشر وزارت امور خارجه، تحریم‌های کانادا علیه مقام‌های ایرانی را محکوم کرد.

فروزنده ودیعتی، مدیرکل حقوق بشر وزارت امور خارجه، اقدام دولت کانادا در اعمال تحریم‌های موسوم به حقوق بشری علیه تعدادی از شهروندان ایرانی را به بهانه ادعاهای واهی، به‌شدت محکوم کرد و آن را اقدامی مداخله‌جویانه و ناشی از خوی خودبرتربندارانه تصمیم‌گیران این کشور دانست.

مدیرکل امور زنان و حقوق بشر وزارت امور خارجه با تأکید بر فقدان هرگونه مبنای حقوقی و اخلاقی برای این اقدام مداخله‌جویانه کانادا، خاطرنشان کرد دولت کانادا به عنوان میراث‌دار سرکوب نظام‌مند



لاوروف: گروسی به اصول دبیر خانه آژانس تحت امر خود از جمله رفتار بی‌طرف و عاری از جانبداری در گزارش‌های جانبی‌های گزارش‌های

ارائه شده پایبند باشد



باقی خواهد ماند و هر لحظه ممکن است دوباره مشکل ایجاد شود. بنابراین باید به یک راه‌حل عملی و پایدار برای همه طرف‌ها رسید.»



از جمله شکنجه و کشتار دسته‌جمعی کودکان بومی و توقف اقدامات ناقض حقوق ملت‌های دیگر تمرکز کنند.

از سوی مدیرکل حقوق بشر وزارت امور خارجه مطرح شد

محکومیت تحریم‌های کانادا علیه مقام‌های ایرانی

حقوق بشر بومیان و نیز به عنوان طرفی که سابقه طولانی در همدستی با رژیم نسل‌کش اسرائیل در کشتار مردم فلسطین و تجاوز علیه سایر کشورهای منطقه دارد، هیچ صلاحیتی برای طرح ادعاهای مزورانه حقوق بشری علیه ایران ندارد.

مدیرکل حقوق بشر وزارت امور خارجه همچنین با اشاره به قطع روابط یک‌جانبه کانادا با ایران و محروم‌سازی ایرانیان مقیم این کشور از خدمات کنسولی، این سیاست‌ها را نقض آشکار حقوق بشر دانست و تأکید کرد تحریم‌های یک‌جانبه کانادا علیه ایران، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم ایران را هدف قرار داده و دولت کانادا باید پاسخگوی پیامدهای منفی اقدامات خود در مواردی در حد جنایت علیه بشریت است، باشد.

ودیعتی به مقامات کانادایی توصیه کرد به جای سیاسی‌کاری و فراقضی، بررسیدگی به نقض حقوق بشر در داخل این کشور،

● خبر

وزیر امور خارجه روسیه از مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خواست در ارزیابی خود از برنامه هسته‌ای ایران جانب بی‌طرفی را رعایت کند. «سرگئی لاوروف»، وزیر امور خارجه روسیه در گفت‌وگو با خبرنگاران بیان داشت مسکو از «افاشل گروسی»، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌خواهد در ارزیابی و گزارش‌دهی درباره برنامه هسته‌ای ایران بی‌طرفی و رفتار حرفه‌ای خود را حفظ کند.

لاوروف بیان کرد: «ما از گروسی که حامی از سرگیری تماس‌ها با تهران است، می‌خواهیم به طور سفت و سختی پایبند به اصول دبیر خانه آژانس تحت امر خود از جمله رفتار بی‌طرف و عاری از جانبداری و حرفه‌ای در گزارش‌های ارائه شده و مجموع فعالیت‌های سازمان باشد.» این اظهارات لاوروف در حالی مطرح شد که

همچنین «بدر عبدالعاطی»، وزیر امور خارجه مصر نیز خواستار از سرگیری مذاکرات هسته‌ای با ایران شد.

عبدالعاطی نیز روز جمعه گفت: «ضروری است که از وضعیت تنش‌زدایی شده و مذاکرات مستقیم بین ایران، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و کشورهای ترویجی اروپایی از سر گرفته شود.»

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روز سه‌شنبه در مصاحبه‌ای ادعا کرد بدون دستیابی به توافق پایدار با ایران، این موضوع همواره زیر سایه آنچه او «شمشیر داموکلس» خواند باقی خواهد ماند.

گروسی در پاسخ به سؤال مجری رسانه فرانسوی RFI مبنی بر اینکه «پس از حملات هوایی ماه ژوئن به برخی سایت‌های هسته‌ای ایران، آیا فکر می‌کنید امکان ازسرگیری همکاری ایران با آژانس وجود دارد؟» چنین دلپلی دارد دوباره به همکاری کامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بازگردد؛ گفت: «بدون یک توافق پایدار و عملی، همیشه این تهدید مانند شمشیر داموکلس بالای سر